

ظرفیت بهره مالکانه معادن در تأمین منابع بودجه

مجری طرح: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ظرفیت بهره مالکانه معادن در تأمین منابع بودجه

تاریخ انتشار

مرداد ۱۴۰۲



عنوان گزارش: ظرفیت بهره مالکانه معادن در تأمین منابع بودجه

کلمات کلیدی: بودجه - بهره مالکانه - فقه اقتصادی - تداول ثروت

تهیه کننده: دکتر عبدالله فتحی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ناظر علمی: دکتر محمد جواد توکلی

شناسه گزارش:

تاریخ نشر: مرداد ۱۴۰۲

حقوق معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی بوده و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است. برای دریافت گزارش‌های پژوهشکده امور اقتصادی به آدرس earc.ac.ir مراجعه فرمائید. مطالب این گزارش، الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و پژوهشکده امور اقتصادی نیست.

فهرست

- ۲ چکیده
- ۴ مقدمه:
- ۵ گزارشی از وضعیت درآمدهای حاصل از بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن:
- ۷ بررسی نرخ حقوق دولتی معادن از منظر فقهی و اقتصادی
- ۷ بررسی مبانی فقهی حقوق دولتی معادن :
- ۸ قلمرو حق بهره‌برداری از معادن برای عموم مردم
- ۹ قواعد حاکم بر شیوه تعیین درصد حقوق دولتی معادن
- ۹ ۱- قاعده مصلحت:
- ۱۰ ۲- قاعده عدالت:
- ۱۲ ۳- قاعده ممنوعیت تداول ثروت میان ثروتمندان :
- ۱۳ کم‌اظهاری بهره‌برداران از قیمت و میزان استخراج؛ چالش‌ها و راهکارها:
- ۱۵ جمع‌بندی و خلاصه پیشنهادها:
- ۱۶ منابع

چکیده

تأمین مالی دولت از منابع درآمدی پایدار، یکی از راه‌های مقاوم شدن اقتصاد کشور در مقابل تکانه‌های تحریمی است که در بند ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته است. این امر می‌تواند با تقویت درآمدهای حاصل از حقوق دولتی و بهره مالکانه معادن بهبود یابد. بررسی روند تغییرات درآمد ناشی از حقوق دولتی معادن در سال‌های اخیر نشان می‌دهد سازمان برنامه و بودجه برآورد روشنی از ظرفیت حقوق دولتی و بهره مالکانه معادن ندارد. این موضوع عمدتاً به دلیل اتکا به اطلاعات خوداظهاری شده‌ی بهره‌برداران معادن از میزان استخراج و قیمت محصولات معدنی بوده است. این در حالی است که حصول درآمدهای حاصل از معادن در دو سال اخیر نشان می‌دهد اطلاعات خوداظهاری شده، انحراف چشمگیری از مقادیر واقعی دارد که لزوم استفاده از شیوه‌های نظارتی مؤثرتر را ایجاد می‌کند.

در بخش نخست این گزارش، با رویکرد فقهی به بررسی نرخ حقوق دولتی معادن پرداخته و دلالت‌های آن را در تعیین نرخ حقوق دولتی مورد توجه قرار داده‌ایم. بر این اساس:

۱. قاعده مصلحت اقتضا می‌کند دولت برای افزایش کارایی بخش معادن، بهره‌برداری از معادن را به بخش خصوصی واگذار کند. با این حال نباید از ابعاد توزیعی این کار چشم پوشید.
۲. قاعده عدالت اقتضا می‌کند بخش بیشتری از درآمدهای دولت از معادن، صرف اهداف بازتوزیعی شود.
۳. شیوه سهم‌بری عوامل در بخش معدن به گونه‌ای اصلاح شود که سهم نیروی کار در این بخش با ارزش ستانده معادن تناسب بیشتری داشته باشد که اقتضا می‌کند بهره‌برداری از معادن به صورت تعاونی انجام پذیرد. این موضوع چالش فقهی مربوط به نیابت‌ناپذیری حیات را نیز ندارد.
۴. قاعده ممنوعیت تداول ثروت میان ثروتمندان اقتضا می‌کند در تعیین درصد حقوق دولتی معادن، درصد پایه حقوق دولتی تعیین شده در ماده ۶۰ آیین‌نامه، بر اساس نوع ماده معدنی و سودآوری معادن، متفاوت باشد و سپس ضرایب مربوط به تبصره ۱ این ماده، اعمال گردد.

در بخش دوم گزارش، چالش کم‌اظهاری بهره‌برداران معادن مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهای زیر پیشنهاد شده است:

۱. تسریع در اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان جهت شفاف شدن جریان درآمدی معادن.
۲. الزام قانونی بهره‌برداران معادن به صدور فاکتور فروش.
۳. بازرسی‌های میدانی و سرزده از معادن توسط بازرسان سازمان صنایع و معادن هر استان
۴. حل مسأله تعارض منافع در پرداخت حقوق مسئول فنی معدن توسط بهره‌بردار؛ بدین صورت که منابع

لازم برای پرداخت حقوق مسئولین فنی معادن از حقوق دولتی دریافتی از بهره‌برداران تأمین شده و توسط وزارت صمت به مسئولین فنی معادن پرداخت شود.

۵. عرضه محصولات معدنی در بورس کالا جهت افزایش شفافیت

مقدمه:

تأمین مالی دولت از منابع درآمدی پایدار همچون مالیات، یکی از راه‌های مقاوم شدن اقتصاد کشور در مقابل تکان‌های تحریمی دشمنان است که در بند ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته است. بخشی از منابع تأمین مالی دولت در نظام اقتصادی اسلام، از طریق درآمدزایی از ثروت‌های طبیعی (انفال) صورت می‌پذیرد. از جمله مصادیق انفال، معادن هستند. بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل معادن در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. اصل ۴۴ قانون اساسی، مقرر می‌دارد معادن بزرگ تحت مالکیت عمومی و در اختیار دولت باشد. اما در سال ۱۳۸۴ در ضمن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و مستند به ذیل این اصل^۱، مالکیت بخش خصوصی بر این دسته از معادن (به جز معادن نفت و گاز) نیز به رسمیت شمرده شده است که البته مراد از مالکیت بر معادن، مالکیت بر حق انتفاع و بهره‌برداری معادن است.

بر اساس ماده ۱۴ قانون معادن (آخرین اصلاحات در ۱۳۹۰/۹/۱۲)، دارنده پروانه بهره‌برداری از معدن، باید درصدی از بهای ماده معدنی موضوع پروانه را به نرخ روز در سر معدن به عنوان حقوق دولتی به وزارت صمت پرداخت نماید که از آن تعبیر به «حقوق دولتی معادن» می‌شود. همچنین درصد پرداختی معادنی که به عنوان زیرمجموعه سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) فعالیت می‌کنند، به عنوان «بهره مالکانه معادن» تعبیر می‌شود که البته این تعبیر در قانون فعلی معادن وجود ندارد.

ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، این میزان را ۱۰ درصد از بهای ماده معدنی استخراج شده معین کرده است. با این حال تبصره ۱ این ماده^۲، این اجازه را به وزارت صمت داده که با ملاحظه برخی پارامترها همچون میزان ذخیره، عیار و کیفیت ماده معدنی، سود ترجیحی، مقیاس معدنکاری و ... این میزان درصد را افزایش یا کاهش دهد. اعمال این ضرایب، مورد اعتراض معدنکاران قرار گرفته است. از این رو شورای عالی معادن برای سنجیده بودن اعمال این ضرایب و از بین رفتن خطای انسانی یا تحمیل سلیق شخصی و نیز از بین رفتن بستر ارتکاب فساد مالی توسط عاملان و کارشناسان محاسبه، سازمان نظام مهندسی معدن را مأمور تولید نرم‌افزاری جهت محاسبه حقوق دولتی نموده است که این نرم‌افزار در سال ۱۴۰۱ رونمایی شد و برای محاسبه حقوق دولتی معادن در سال ۱۴۰۲ به کار گرفته شد.

^۱ در ذیل اصل ۴۴ آمده است: مالکیت در این سه بخش (دولتی، تعاونی و خصوصی) تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

^۲ در تبصره ۱ ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن آمده است: وزارت موظف است به منظور افزایش و یا کاهش درصد حقوق مذکور نسبت به تعیین مبنای مذکور با اعمال ضرایب مربوط به عوامل مؤثری از جمله میزان ذخیره، روش استخراج، عیار و کیفیت ماده معدنی، سود ترجیحی، معادن واقع در مناطق دورافتاده و کمتر توسعه یافته، درصد‌های بازبایی صنعتی متناسب با مقیاس معدنکاری و نوع مواد معدنی براساس دستورالعمل مربوط به گونه‌ای اقدام کند که کاهش آن در مورد معادن بزرگ از پنج درصد کمتر نشود و افزایش آن برای سایر معادن حداکثر از سه برابر درصد مبنای بیشتر نشود.

با توجه به این که معادن بخشی از انفال بوده و در اختیار حاکم اسلامی است و این موضوع جنبه‌های فقهی متعددی دارد، در این گزارش علاوه بر بررسی‌های اقتصادی، از منظر فقهی نیز به این موضوع خواهیم پرداخت و دلالت‌های ادله فقهی مربوطه را درباره معادن و به ویژه حقوق دولتی معادن بررسی خواهیم کرد. همچنین با آسیب‌شناسی محاسبه و اخذ حقوق دولتی معادن، تلاش خواهد شد راهکارهایی جهت بهبود فرایند محاسبه و دریافت حقوق دولتی معادن ارائه شود.

بر این اساس در گزارش حاضر ابتدا آمارهای مربوط به روند درآمدهای حاصل از حقوق دولتی و بهره مالکانه معادن در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته و سپس از دو منظر زیر، به بررسی ظرفیت درآمدی معادن برای دولت پرداخته شده است:

(۱) نرخ حقوق دولتی و بهره مالکانه معادن از منظر فقهی و اقتصادی

(۲) چالش کم‌اظهاری قیمت و میزان استخراج ماده معدنی

گزارشی از وضعیت درآمدهای حاصل از بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن:

بررسی قوانین بودجه سنواتی در دهه گذشته نشان می‌دهد درآمدهای دولت از محل حقوق دولتی و بهره مالکانه معادن، نوسانات زیادی را تجربه کرده است. جدول ۱ بیانگر درآمدهای پیش‌بینی شده دولت از معادن است که در بودجه سنواتی منعکس شده است. رشد ۷ برابری درآمدها در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱، رشد ۲ برابری درآمدها در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲، کاهش درآمدها از سال ۹۳ تا ۹۸ به ویژه با توجه به اینکه مقادیر گزارش شده در جدول ۱، بر اساس قیمت‌های اسمی است، و در نهایت افزایش حدوداً ۴۰ برابری درآمدهای طی سال‌های ۹۸ تا ۱۴۰۱ همگی گویای این واقعیت است که سازمان برنامه و بودجه برآورد روشنی از میزان ظرفیت حقوق دولتی و بهره مالکانه معادن کشور ندارد. به عنوان مثال با این که پیش‌بینی درآمدهای حاصل از معادن در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۹۹ حدود ۴ برابر شده (از ۲/۸ همت به ۱۰ همت افزایش یافته)، باز هم درآمد محقق شده در سال ۱۴۰۰، نزدیک به ۲ برابر مقدار پیش‌بینی شده (یعنی ۱۹ همت) است. به گفته وزیر اقتصاد، علت برآورد پایین از ظرفیت بهره مالکانه معادن، کم‌اظهاری بهره‌برداران درباره میزان استخراج از معادن بوده^۳ که نشان می‌دهد برآورد نهادهای مربوطه، صرفاً بر خوداظهاری بهره‌برداران متکی بوده است!

³ <https://irasin.ir/xggV>

جدول ۱: درآمدهای پیش بینی شده حاصل از معادن در بودجه سنواتی سالهای ۹۱ تا ۱۴۰۲

سال	درآمد پیش بینی شده حاصل از بهره مالکانه معادن، در بودجه سنواتی* (میلیون ریال)	درآمد پیش بینی شده حاصل از معادن شن و ماسه در بودجه سنواتی* (میلیون ریال)	درآمد پیش بینی شده حاصل از حق انتفاع پروانه بهره برداری از معادن در بودجه سنواتی* (میلیون ریال)	کل (میلیون ریال)
۱۳۹۱	۱,۸۰۰,۰۰۰	۲۰۰,۰۰۰		۲,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۹۲	۸,۰۰۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۴,۱۵۰,۰۰۰
۱۳۹۳	۱۸,۰۰۰,۰۰۰		۱۳,۰۰۰,۰۰۰	۳۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۹۴	۱۵,۰۰۰,۰۰۰		۱۳,۰۰۰,۰۰۰	۲۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۹۵	۹,۰۰۰,۰۰۰		۱۲,۰۰۰,۰۰۰	۲۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۹۶	۹,۰۰۰,۰۰۰		۱۲,۰۰۰,۰۰۰	۲۱,۰۰۰,۰۰۰
۱۳۹۷	۱۰,۵۰۰,۰۰۰			۱۰,۵۰۰,۰۰۰
۱۳۹۸	۱۰,۵۰۰,۰۰۰			۱۰,۵۰۰,۰۰۰
۱۳۹۹	۲۸,۲۴۰,۰۰۰			۲۸,۲۴۰,۰۰۰
۱۴۰۰	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰			۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۴۰۱	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰			۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۴۰۲	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰			۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰

* منبع: داده‌های مربوط به بودجه سنواتی کشور؛ ردیف‌های ۱۳۰۴۰۸، ۱۳۰۴۰۳ و ۱۳۰۴۱۹ جدول ۵ از جداول کلان بودجه

موضوع قابل تأمل دیگر در این باره، سهم پایین درآمد ناشی از بهره مالکانه معادن از ارزش ستانده معادن است. جدول ۲ نشان می‌دهد نه تنها سیر منطقی روشنی درباره سهم درآمدهای حاصل از معادن وجود ندارد، بلکه این درصد در برخی دوره‌ها انحراف چشمگیری از درصد مصوب (۱۰ درصد) دارد.

جدول ۲: میزان ارزش ستانده معادن و سهم درآمدهای مالیاتی از آن

سال	ارزش ستانده معادن* (میلیون ریال)	درصد درآمدهای مصوب در بودجه نسبت به کل به ارزش ستانده معادن
۱۳۹۱	۱۰۲,۳۸۱,۴۰۱	۲٪
۱۳۹۲	۱۲۹,۳۴۲,۶۴۹	۱۰/۹٪
۱۳۹۳	۱۴۲,۶۲۱,۵۰۶	۲۱/۷٪
۱۳۹۴	۱۲۰,۴۰۰,۲۰۰	۲۳/۳٪
۱۳۹۵	۱۶۸,۶۲۴,۸۱۹	۱۲/۵٪
۱۳۹۶	۲۵۴,۲۹۳,۷۶۲	۸/۳٪
۱۳۹۷	۳۹۸,۰۴۷,۵۰۳	۲/۶٪

* منبع: مرکز آمار ایران

موضوع دیگری که درباره معادن قابل توجه است، میزان ارزش افزوده معادن نسبت به ارزش ستانده آنهاست. جدول ۳ این میزان را برای کل معادن کشور در سال‌های ۹۱ تا ۹۷ گزارش می‌کند که البته این درصد برای معادن

فلزی به ویژه مس، حتی بالاتر از ارقام فوق است و به عنوان نمونه به ۸۸ درصد در سال ۹۷ رسیده است.^۴

جدول ۳ درصد ارزش افزوده معادن به ارزش ستانده آنها

سال	ارزش ستانده معادن* (میلیون ریال)	ارزش افزوده معادن* (میلیون ریال)	ارزش جبران خدمات معادن (میلیون ریال)	درصد ارزش افزوده معادن به ارزش ستانده آنها
۱۳۹۱	۱۰۲,۳۸۱,۴۰۱	۷۹,۱۶۳,۴۷۹	۲۳,۲۱۷,۹۲۲	۷۷/۳٪
۱۳۹۲	۱۲۹,۳۴۲,۶۴۹	۹۳,۴۳۲,۱۸۳	۳۵,۹۱۰,۴۶۶	۷۲/۲٪
۱۳۹۳	۱۴۲,۶۲۱,۵۰۶	۹۷,۵۹۰,۳۸۶	۴۵,۰۳۱,۱۲۰	۶۸/۴٪
۱۳۹۴	۱۲۰,۴۰۰,۲۰۰	۸۴,۰۷۱,۴۴۷	۳۶,۳۲۸,۷۵۳	۶۹/۸٪
۱۳۹۵	۱۶۸,۶۲۴,۸۱۹	۱۲۳,۲۷۵,۹۰۸	۴۵,۳۴۸,۹۱۱	۷۳/۱٪
۱۳۹۶	۲۵۴,۲۹۳,۷۶۲	۱۹۵,۱۱۴,۶۱۴	۵۹,۱۷۹,۱۴۸	۷۶/۷٪
۱۳۹۷	۳۹۸,۰۴۷,۵۰۳	۳۰۷,۹۸۷,۶۰۱	۹۰,۰۵۹,۹۰۲	۷۷/۴٪

* منبع: مرکز آمار ایران

مقایسه درصد ارزش افزوده معادن با درصد حقوق دولتی معادن - حتی اگر از کم‌اظهاری بهره‌برداران چشم‌پوشی کنیم - باز هم نشان می‌دهد درصد تعیین شده برای حقوق دولتی و بهره مالکانه معادن، بسیار پایین‌تر از میزان ارزش افزوده این معادن است.

بررسی نرخ حقوق دولتی معادن از منظر فقهی و اقتصادی

یکی از موضوعات مهم درباره حقوق دولتی معادن، به تعیین نرخ عادلانه حقوق دولتی مربوط می‌شود که علاوه بر ابعاد اقتصادی، جنبه‌های فقهی نیز دارد که در ادامه به این ابعاد می‌پردازیم:

بررسی مبانی فقهی حقوق دولتی معادن:

انفال یا ثروت‌های طبیعی، در زمان حضور معصوم (ع) به ایشان و در زمان غیبت، به حاکم اسلامی تعلق دارد (شیخ حر عاملی ۱۴۰۹ ق، ۹: ۵۳۵) و ملکیت آن، به هیچ وجه به اشخاص منتقل نمی‌شود بلکه آنان تنها می‌توانند از انتفاعات انفال بهره ببرند. علی‌رغم اجماع بر این موضوع، آنچه محل اختلاف است این است که آیا معادن نیز مصداق انفال هستند یا خیر. در این باره میان فقها اختلاف نظر وجود دارد.

بسیاری از فقهای بزرگ شیعه معتقدند معادن نیز مصداقی از انفال هستند و عموم مردم، مالکیتی بر معادن ندارند و تنها در شرایطی «حق انتفاع» از معادن را دارند (کلینی ۱۴۰۷ ق، ۱: ۵۳۸، شیخ مفید ۱۴۱۳ ق، ۲۷۸، طوسی ۱۴۰۰ ق، ۴۲۰، نراقی ۱۴۱۵ ق، ۱۰: ۱۶۲، شیخ انصاری ۱۴۱۵ ق، ۳۶۶) از این رو بهره‌برداری از هرگونه معدن ظاهری و باطنی و معادنی که در ملک‌های عمومی و دولتی قرار دارد

^۴ داده‌های مربوط به ارزش ستانده معادن و ارزش افزوده آنها به تفکیک معادن، در سایت مرکز آمار ایران در دسترس می‌باشد.

یا در ملک‌ها و عرصه‌های شخصی یافت می‌شود، بستگی به آگاهی و اجازه دولت اسلامی داشته و به هیچ وجه نمی‌توان خودسرانه به استخراج از این معادن دست زد (کلانتری ۱۳۷۹).

اما درباره تکالیف مالی بهره‌برداران معادن، ادله متعدد روایی بر وجوب پرداخت خمس از معادن دلالت دارد (شیخ حر عاملی ۱۴۰۹ ق، ۹: ۴۹۱). پرداخت «خمس» یک واجب شرعی است که بر اساس نظر فقهای امامیه، در زمان غیبت امام معصوم (ع)، به مرجع تقلید پرداخت می‌شود؛ بر این اساس، خمس یک «مالیات حکومتی» به شمار نمی‌رود. بنابراین آن چه امروزه به عنوان بهره مالکانه یا حقوق دولتی معادن از بهره‌برداران دریافت می‌شود، ارتباطی با خمس ندارد. بر اساس برخی روایات مربوط به خمس، مالیات‌های دریافت‌شده از معادن توسط حکومت، بخشی از هزینه‌های استخراج معدن به شمار می‌رود که لازم است هنگام محاسبه خمس، این هزینه‌ها از درآمد معدن کسر شود (کلینی ۱۴۰۷ ق، ۱: ۵۴۷، م. طوسی ۱۴۰۷ ق، ۴: ۱۲۳). این موضوع نشان می‌دهد مالیات‌های حکومتی معادن، ارتباطی با خمس ندارند.

در نهایت، با توجه به این که حاکم اسلامی می‌تواند برای تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی، در حیطه احکام تریخی اقدام به وضع قوانین نماید، وضع حقوق دولتی با در نظر گرفتن مصالح جامعه، اشکالی ندارد. با این حال درباره میزان این حقوق، لازم است قواعدی در نظر گرفته شود که به این قواعد خواهیم پرداخت.

قلمرو حق بهره‌برداری از معادن برای عموم مردم

در ادبیات فقهی، درباره قلمرو حق بهره‌برداری از معادن سخنی به میان نیامده است و در نگاه نخست چنین به نظر می‌رسد که میزان استخراج از معادن، محدودیتی نداشته و هر شخصی به شرط پرداخت تکالیف مالی مربوطه، به هر میزان که بتواند حق دارد از معادن استخراج کند. به نظر می‌رسد فقدان محدودیت‌های مقداری برای استخراج معادن در گذشته، به دلیل محدودیت‌های فنی و طبیعی بوده است که به اشخاص اجازه استخراج بی‌رویه و تجمع ثروت در دست آنان را نمی‌داده است. از این رو استخراج معادن در گذشته، نه ابعاد زیست‌محیطی پیدا می‌کرده و نه سبب ایجاد نابرابری شدید و تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود می‌شده است. اما امروزه به دلیل استفاده از ماشین‌آلات صنعتی در فرایند استخراج معادن، این موضوع می‌تواند ابعاد زیست‌محیطی و نابرابری در پی داشته باشد.

ماده ۲۴ قانون معادن، ملاحظات زیست‌محیطی را هنگام اکتشاف و بهره‌برداری از معادن در نظر گرفته است. اما ملاحظات مربوط به نابرابری ثروت و درآمد، موضوع دیگری است که لازم است مورد توجه قرار گیرد. این امر می‌تواند از طریق ایجاد محدودیت در میزان بهره‌برداری از معادن و یا از طریق افزایش نرخ حقوق دولتی باشد که به آن خواهیم پرداخت.

قواعد حاکم بر شیوه تعیین درصد حقوق دولتی معادن

علاوه بر ملاحظات اقتصادی در تعیین حقوق دولتی معادن، برخی قواعد عام در فقه نیز دلالت‌هایی درباره شیوه تعیین درصد حقوق دولتی معادن دارند که عبارتند از:

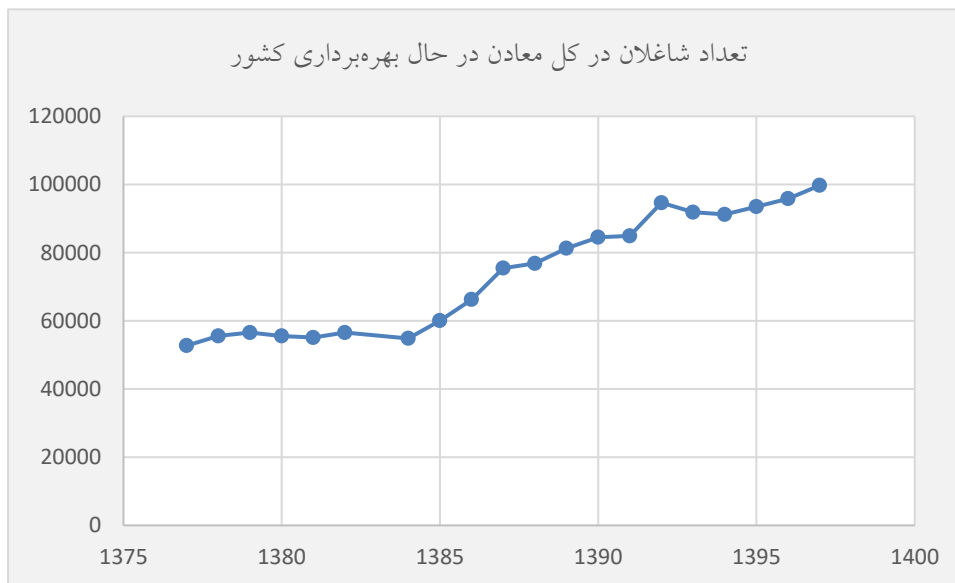
۱- قاعده مصلحت:

احکام حکومتی، احکامی هستند که از سوی حاکمیت مشروع اسلامی با توجه به مصالح جامعه صادر می‌شوند (مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی ۱۳۸۷، ۳: ۳۶۲). بقاء و تداوم این احکام دایره مدار وجود مصلحت است و تا زمانی که مصلحت وجود داشته باشد، این احکام به جای خود باقی هستند. با این حال درباره دایره اختیارات حاکم اسلامی در وضع احکام حکومتی اختلاف نظر وجود دارد: برخی فقها همچون امام خمینی معتقدند احکام حکومتی از احکام اولیه اسلام است و از این رو ولی فقیه می‌تواند در موارد مصلحت، حتی برخلاف سایر احکام اولیه، احکام حکومتی صادر کند (خمینی بی‌تا، ۲۰: ۴۵۱). برخی دیگر از فقها همچون شهید صدر معتقدند اختیارات ولی فقیه در احکام حکومتی محدود به منطقه الفراغ است؛ یعنی مواردی که شارع در آنها حکم الزامی اولی ندارد اما در جایی که حکم اولی شرعی وجود دارد، حاکم اسلامی نمی‌تواند خلاف آن حکم کند (صدر ۱۴۱۷ ق، ۶۸۹).

در همین راستا، اصل ۴۵ قانون اساسی تصریح می‌کند انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل معادن در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. با این حال این اصل، مصادیق «مصالح عامه» را بیان نکرده و تنها در ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی، «رشد و توسعه اقتصادی» و «عدم زیان جامعه» به عنوان برخی مصالح عامه مطرح شده است. اما در ابتدای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (ابلاغ شده در ۱۳۸۴/۳/۱) به تفصیل بیشتری درباره مصالح عامه سخن گفته شده است. این موارد عبارتند از:

- شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی.
- گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی.
- ارتقاء کارآیی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری.
- افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی.
- افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی.
- کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی.
- افزایش سطح عمومی اشتغال.
- تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.

نمودار ۱ نشان می‌دهد اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از سال ۱۳۸۴ به بعد، سبب رشد اشتغال در بخش معدن شده است؛ با این حال آمارهای مربوط به ارزش افزوده معادن و سهم جبران خدمات از کل ارزش ستانده معادن نشان می‌دهد هدف تأمین عدالت اجتماعی نادیده گرفته شده است.



نمودار ۱ نمودار تعداد شاغلان در کل معادن کشور (۱۳۷۷-۱۳۹۷)

۲- قاعده عدالت:

قاعده عدالت اگرچه در بیان فقهای گذشته به عنوان یک قاعده فقهی مستقل مورد بحث واقع نشده است، اما فهم ارتكازی از این واقعیت که احکام اسلامی از خداوند عادل صادر شده‌اند و به وصف عدالت متصف هستند، همچنین فتاوی فراوانی که فقها مستند به مسأله عدالت بیان کرده‌اند، سبب شده است محققان متأخر، قاعده عدالت را به عنوان یکی از قواعد مهم فقه مطرح کرده و آن را مستند به ادله قرآنی و روایی کنند (سیستانی ۱۴۱۴ق، ۳۲۵). شاخصه‌های عدالت اقتصادی را می‌توان در دو عنوان خلاصه کرد: ۱) دسترسی برابر به فرصت‌ها ۲) دسترسی برابر به منابع. در صورتی که این دو مؤلفه عدالت در جامعه حاکم باشد، نمی‌توان نابرابری‌های ناشی از تفاوت در استعدادها و میزان تلاش افراد را مغایر با عدالت دانست.

با توجه به این که اجازه حاکمیت به بهره‌برداران معادن، حق اولویتی برای آنان ایجاد می‌کند که مانع از دسترسی سایرین به منابع معدنی کشف شده می‌گردد، از این جهت، سبب نابرابری در دسترسی به منابع خواهد بود و با قاعده عدالت در تعارض است. از این رو دولت مکلف است در ازای اعطای مجوز بهره‌برداری انحصاری

^۵ تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون معادن تصریح می‌کند: مزاحمت اشخاص حقیقی یا حقوقی به نحوی که مانع عملیات معدنی شود، جرم تلقی و مجرم ضمن جبران خسارت، به حبس از یک تا شش ماه و یا پرداخت جریمه نقدی معادل دو برابر خسارت وارده محکوم می‌شود.

از معدن به بهره‌بردار، جهت جبران سلب حقوق دیگران از بهره‌برداری از معدن، درصدی از درآمد حاصله را به عنوان مالیات یا حقوق دولتی دریافت کرده و در اهداف بازتوزیعی به کار گیرد. این در حالی است که مصارف حقوق دولتی معادن بر اساس قانون، به صورت زیر تعیین شده است:

- تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون معادن مقرر می‌دارد حداقل ۶۵ درصد از درآمد حاصل از حقوق دولتی معادن در راستای اجرای بهینه تکالیف و مأموریت‌های توسعه بخش معدن و صنایع معدنی کشور توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت هزینه گردد.

- تبصره ۶ ماده ۱۴ نیز مقرر می‌دارد ۱۵ درصد از حقوق دولتی وصولی، به اعتبارات همان استان اضافه شده و همه این اعتبار نیز جهت ایجاد زیرساخت و رفاه و توسعه شهرستان با اولویت بخشی که معدن در آن واقع شده، اختصاص یابد.

- ماده ۲۵ این قانون مقرر می‌دارد ۱۲ درصد از کل حقوق دولتی معادن از طریق وزارت کشاورزی صرف احیاء و بازسازی محل عملیات معدنی گردد.

- تبصره ماده ۳۱ قانون معادن مقرر می‌دارد حداکثر ۵ درصد از حقوق دولتی دریافتی از معادن با هدف حمایت از فعالیت‌های صندوق بیمه سرمایه‌گذار فعالیت‌های معدنی، در اختیار این صندوق قرار گیرد.

- ۳ درصد باقیمانده از حقوق دولتی معادن نیز جهت کمک به سازمان نظام مهندسی معادن برای تحقق اهداف تعیین شده در قانون هزینه می‌شود.

به جز ۱۵ درصد مصرح در تبصره ۶ ماده ۱۴ قانون معادن که آن هم صرف ایجاد زیرساخت‌های رفاهی خواهد شد، سایر موارد مصرف حقوق دولتی معادن ارتباطی با اهداف بازتوزیعی ندارد. این در حالی است که یکی از اهداف مهم سیاست‌های کلی اصل ۴۴، تأمین عدالت اجتماعی است و انتظار می‌رود سهم بالاتری از درآمدهای حاصله صرف اهداف بازتوزیعی شود.

بی‌عدالتی، به شکل دیگری نیز در شیوه بهره‌برداری از معادن به چشم می‌خورد. چنان که در جدول ۳ نشان داده شده است، ارزش افزوده معادن، سهم بسیار بالایی از ارزش ستانده معادن را به خود اختصاص داده و پرداخت‌های مربوط به جبران خدمات (دستمزد پرداختی به کارگران معادن) سهم کوچکی از ارزش ستانده معادن را در بر می‌گیرد. این شکل از نابرابری، محصول تعیین نرخ دستمزد کارگر در بازار کار و تعیین قیمت محصولات معدنی در بازار این محصولات است که ممکن است منجر به چنین عدم تناسبی گردیده و عملاً به نوعی استثمار نیروی کار تبدیل شود.

به نظر می‌رسد مشارکت کارگران در سود معادن، می‌تواند تا حد زیادی جلوی این شکل از نابرابری را بگیرد که مستلزم سیاست‌های تشویقی جهت تعاونی شدن معادن است که همسو با سیاست‌های تقویت بخش تعاونی و افزایش سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی است. طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، سهم تعاون در

اقتصاد ایران باید ۲۵ درصد باشد، این در حالی است که این رقم اکنون حدود ۶ درصد است.^۶ توسعه بخش تعاون در زمینه معدن، می‌تواند گامی جهت افزایش سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران شود. این موضوع از توجیه فقهی نیز برخوردار است. مالکیت بهره‌بردار بر مواد معدنی استخراج شده از معدن، مصداق حیازت است و درباره جواز اجیر گرفتن جهت حیازت، میان فقهای شیعه اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه مشهور نزد فقیهان امامیه این است که حیازت، قابل نیابت نیست و هر کس مالک همان چیزی است که خودش مباشرتاً حیازت کرده است (نجفی ۱۴۰۴، ق، ۲۶: ۲۹۰). بنابراین انعقاد قرارداد اجاره میان کارگر معدن و بهره‌بردار جهت حیازت از معدن با اشکال فقهی مواجه خواهد بود. اما مشارکت میان بهره‌بردار و کارگر نوعی مشارکت در حیازت است که دو حالت دارد:

- حالت اول در صورتی است که همکاری افراد را نتوان به افعال جداگانه تجزیه کرد، بلکه تلاش دسته‌جمعی آنان، عرفاً «یک کار» به شمار آید. مثالی که فقها از این شکل از همکاری ذکر کرده‌اند، همکاری چند نفر در قطع یک درخت یا همکاری جهت کشیدن آب از چاه است (ج. ب. محقق حلی ۱۴۰۸، ق، ۲: ۱۰۵). در این صورت مال حیازت شده، ملک مشاع همه آنان خواهد بود و شرکت در اینجا به سبب یک عامل غیرعقدی اتفاق می‌افتد که همان حیازت است.

- حالت دوم در صورتی است که همکاری افراد در حیازت، با تقسیم کردن کل کار بین افراد مختلف صورت بگیرد مانند تقسیم یک معدن به محدوده‌های معین و استخراج هر یک از افراد از محدوده تعیین شده خود. در چنین حالتی به دلیل آن که حیازت، نیابت‌بردار نیست، هر شخصی مالک همان مالی خواهد شد که خودش مستقیماً حیازت کرده است. اما اگر کل اموال حیازت شده ابتدا تجمیع شود و سپس طبق قراردادی از پیش تعیین شده، به تساوی یا غیرتساوی بین آنان تقسیم شود، این قرارداد مصداق شرکة الابدان بوده و بنا بر اجماع فقهای امامیه، عقدی باطل است.

با توجه به این که کل عملیات استخراج معدن را می‌توان عرفاً یک عمل به شمار می‌آید، می‌توان استخراج معادن را در قالب مشارکت منعقد کرد.

۳- قاعده ممنوعیت تداول ثروت میان ثروتمندان :

آیه ۷ سوره حشر^۷ درباره توزیع فیء میان تهیدستان جامعه نازل شده است؛ اما مفاد آن کلیت داشته و با تنقیح مناط و الغای خصوصیت از «فیء»، می‌توان قاعده‌ای را در نظام اقتصادی اسلام از آن استنباط کرد بدین مضمون که اسلام با نابرابری اقتصادی مخالف بوده و تأکید دارد که تداول ثروت نباید در میان عده‌ای ثروتمند باشد، بلکه باید عموم جامعه از ثروت‌ها بهره‌مند باشند (معلمی ۱۳۹۱). شاید به دلیل همین ملاحظات بود که اصل ۴۴ قانون

^۶ <http://fna.ir/3bqx5p>

^۷ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

اساسی، مالکیت بر معادن بزرگ را در انحصار دولت دانسته بود و ماده ۱۲ قانون معادن (مصوب ۱۳۷۷)، تعیین موارد آن را با توجه به میزان ذخیره، عیار، میزان استخراج، ارزش ماده معدنی، میزان سرمایه‌گذاری، موقعیت جغرافیایی و ملاحظات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزارت معادن و فلزات و تصویب هیأت وزیران منوط کرده بود.

اما بند ۲ قسمت (الف) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (ابلاغ شده در ۱۳۸۴/۳/۱) این اجازه را به بخش خصوصی داده است تا در زمینه سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت صنایع بزرگ، صنایع مادر و معادن بزرگ (به‌استثنای نفت و گاز) وارد شود. به همین جهت، در اصلاح قانون معادن (مصوب ۱۳۹۰)، ماده ۱۲ قانون معادن (مصوب ۷۷) حذف گردید. اگرچه ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، این اجازه را به وزارت صمت داده است که با ملاحظه عوامل مؤثری از جمله میزان ذخیره، روش استخراج، عیار و کیفیت ماده معدنی، سود ترجیحی، معادن واقع در مناطق دورافتاده و کمتر توسعه یافته، درصدهای بازیابی صنعتی متناسب با مقیاس معدنکاری و نوع مواد معدنی، درصد حقوق دولتی معادن را تعدیل کند، اما به نظر می‌رسد ناهمگنی معادن به لحاظ مقیاس تولید، ارزش ماده معدنی و سودآوری آنها به قدری است که تعدیل‌های تبصره ۱ ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن نیز نمی‌تواند چالش‌های مربوط به عدالت و عدم تمرکز ثروت را حل کند.

از این رو پیشنهاد می‌شود درصد پایه حقوق دولتی تعیین شده در ماده ۶۰ آیین‌نامه، بر اساس نوع ماده معدنی و سودآوری معادن، متفاوت باشد و سپس ضرایب مربوط به تبصره ۱ این ماده، اعمال گردد.

کم‌اظهاری بهره‌برداران از قیمت و میزان استخراج؛ چالش‌ها و راهکارها:

چنان که گفته شد، یکی از مهم‌ترین دلایل پایین بودن درآمد حاصل از حقوق دولتی معادن، کم‌اظهاری بهره‌برداران است. عمده کم‌اظهاری‌ها در معادن خصوصی که شفافیت مقدار استخراج و قیمت فروش آنها پایین است، اتفاق می‌افتد. اما در معادن بزرگ و بورسی، به دلیل شفافیت بالای اطلاعات، امکان کم‌اظهاری وجود ندارد. با توجه به این که تا سال ۱۴۰۰، عمده‌ی حقوق دولتی بر اساس خوداظهاری بهره‌برداران محاسبه و اخذ می‌شد، نظارت بر صحت اطلاعات خوداظهاری بسیار محدود و در حد گزارش‌های مسئول فنی معادن بود. بر اساس بند (ت) ماده ۶۳ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، گزارش عملکرد بهره‌بردار باید به تأیید مسئول فنی معدن دارای مجوز صلاحیت نظام مهندسی معدن برسد. با این حال ماده ۱۰۲ این آیین‌نامه تصریح می‌کند مسئول فنی معدن، یکی از ارکان اجرایی معدن است که تحت مدیریت دارنده‌ی مجوز عملیات معدنی فعالیت می‌کند.^۸ این موضوع سبب ایجاد یک موقعیت تعارض منافع گردیده و امکان نظارت صحیح بر میزان واقعی استخراج معادن را از بین می‌برد. از این رو تا سال ۱۴۰۰ «میزان استخراج اعلام شده در پروانه بهره‌برداری» مبنای محاسبه حقوق

^۸ ماده ۱۰۲- دارنده مجوز عملیات معدنی و صنایع معدنی موظف است از خدمات اشخاص دارای مجوز صلاحیت نظام مهندسی معدن در انجام امور فنی و حرفه‌ای فعالیت‌های معدنی بر اساس ماده (۴) قانون نظام مهندسی معدن - مصوب ۱۳۷۹- استفاده کند.

دولتی قرار می‌گرفت نه میزان استخراج واقعی معادن.

اما از سال ۱۴۰۰ به بعد، برای جلوگیری از کم‌اظهاری، راه‌حل‌های زیر در پیش گرفته شده است:

۱. نقشه برداری از معادن و برآورد میزان واقعی استخراج
 ۲. استفاده از باسکول و اندازه‌گیری وزن مواد استخراج شده از معادن
 ۳. وضع جریمه‌های سنگین برای کتمان یا اظهار خلاف واقع از قیمت و مقدار استخراج شده
 ۴. تقاطع‌گیری اطلاعات قیمت و میزان استخراج در موارد مشکوک بر اساس اطلاعات میدانی و استعلام از مشتریان عمده محصولات خام معدنی، مستند به بند (ب) ماده ۶۳ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن.^۹
- اقدامات انجام شده، اگرچه تأثیر چشمگیری در افزایش درآمدهای حاصل از حقوق دولتی معادن در سال‌های اخیر داشته، اما با اشکالات زیر مواجه است:

- عدم الزام قانونی به صدور فاکتور فروش توسط معادن
- کشف قیمت بازاری در مواردی میسر است که تعداد فعالان معدنی در زمینه‌های مشابه، زیاد بوده و تقاضای باکشی در بازار وجود داشته باشد. اما در صورتی که معدن به نحوی انحصار داشته باشد و بدون صدور فاکتور فروش، اقدام به فروش محصول نماید، نمی‌توان به سادگی قیمت فروش را تشخیص داد.
- وابسته به اشخاص بودن استعلام‌ها
- به دلیل فقدان الزام قانونی و مشخص نبودن فرایندهای استعلام‌گیری و تقاطع اطلاعات، صحت‌سنجی اطلاعات اظهار شده، کاملاً وابسته به اراده‌ی مسئولین معدنی استان‌ها و شهرستان‌هاست.
- عدم تعریف سازوکارهای مشخص و زیرساخت‌های سیستمی جهت استعلام
- استعلام‌گیری از قیمت و مقدار استخراج، سازوکار روشنی نداشته و سلیقه‌ای انجام می‌پذیرد. از سوی دیگر به دلیل فقدان زیرساخت‌های سیستمی کافی، اطلاعات بسیار محدودی مورد ارزیابی قرار گرفته و از فرایندهای ساده تقاطع‌گیری استفاده می‌شود. از این رو ممکن است همچنان نتایج به دست آمده، انحراف بزرگی با مقادیر واقعی داشته باشد.

به نظر می‌رسد اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، تا حد زیادی می‌تواند معضل کم‌اظهاری بهره‌برداران معادن را حل کند؛ با این حال به دلیل ضعف و تأخیر در اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، به نظر می‌رسد تا زمان اجرای کامل این قانون، می‌توان برای کاهش کم‌اظهاری از تدابیر زیر بهره‌جست:

- (۱) الزام قانونی بهره‌برداران معادن به صدور فاکتور فروش.
- (۲) بازرسی‌های میدانی و سرزده از معادن توسط بازرسان سازمان صنایع و معادن هر استان

^۹ در بند (ب) ماده ۶۳ آیین‌نامه اجرایی آمده است: در صورت عدم ارائه گزارش از طرف بهره‌بردار و یا در مواردی که وزارت ارقام اعلام شده از سوی بهره‌بردار را در مورد میزان استخراج و بهای فروش ماده معدنی در سر معدن تأیید نکند، وزارت به تشخیص خود نسبت به محاسبه و مطالبه حقوق دولتی اقدام کند.

۳) حل مسأله تعارض منافع در پرداخت حقوق مسئول فنی معادن توسط بهره‌بردار؛ بدین صورت که منابع لازم برای پرداخت حقوق مسئولین فنی معادن از حقوق دولتی دریافتی از بهره‌برداران تأمین شده و توسط وزارت صمت به مسئولین فنی معادن پرداخت شود.

۴) عرضه محصولات معدنی در بورس کالا جهت افزایش شفافیت.

جمع‌بندی و خلاصه پیشنهادها:

تأمین مالی دولت از منابع درآمدی پایدار، یکی از راه‌های مقاوم شدن اقتصاد کشور در مقابل تکان‌های تحریمی است که در بند ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته است که درآمد ناشی از حقوق دولتی معادن یکی از این منابع درآمدی است. ملاحظات مرتبط با شیوه تعیین نرخ حقوق دولتی معادن و جلوگیری از کم‌اظهاری بهره‌برداران از میزان استخراج و قیمت محصولات معدنی دو عاملی است که می‌تواند این درآمدها را برای دولت افزایش داده و اصلاح شیوه سهم‌بری عوامل و شیوه مصرف این درآمدها می‌تواند اهداف مورد نظر قانون و شرع را بهتر تأمین کند. بر این اساس، در این گزارش ابتدا از منظر فقهی و اقتصادی، شیوه تعیین نرخ حقوق دولتی و چگونگی مصرف آن مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی در این باره مطرح شده است. در بخش دوم نیز به موضوع کم‌اظهاری بهره‌برداران پرداخته شده و برای جلوگیری از آن نیز راهکارهایی ارائه شده است.

بر اساس برای بهبود شیوه تعیین نرخ حقوق دولتی معادن و مصرف آن، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. در مصارف دولت از درآمدهای حاصل از حقوق دولتی، به اهداف بازتوزیعی وزن بیشتری داده شود.
۲. شیوه سهم‌بری عوامل در بخش معادن به گونه‌ای اصلاح شود که سهم نیروی کار در این بخش با ارزش ستانده معادن تناسب بیشتری داشته باشد که تعاونی شدن معادن، یک پیشنهاد در این زمینه است.
۳. در تعیین درصد حقوق دولتی معادن، درصد پایه حقوق دولتی تعیین شده در ماده ۶۰ آیین‌نامه، بر اساس نوع ماده معدنی و سودآوری معادن، متفاوت باشد و سپس ضرایب مربوط به تبصره ۱ این ماده، اعمال گردد.

و برای جلوگیری از کم‌اظهاری بهره‌برداران، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. تسریع در اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان در بخش معادن.
۲. الزام قانونی بهره‌برداران معادن به صدور فاکتور فروش.
۳. بازرسی‌های میدانی و سرزده از معادن توسط بازرسان سازمان صنایع و معادن هر استان
۴. حل مسأله تعارض منافع در پرداخت حقوق مسئول فنی معادن توسط بهره‌بردار؛ بدین صورت که منابع لازم برای پرداخت حقوق مسئولین فنی معادن از حقوق دولتی دریافتی از بهره‌برداران تأمین شده و توسط وزارت صمت به مسئولین فنی معادن پرداخت شود.

۵. عرضه محصولات معدنی در بورس کالا جهت افزایش شفافیت قیمت و مقدار

منابع

- حکیم, سید محسن. ۱۴۱۰ ق. منهاج الصالحین (محشّی). چاپ اول. ۲ جلد. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- خمینی, سید روح الله. بی تا. صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویی, سید ابوالقاسم. ۱۴۱۰ ق. منهاج الصالحین. چاپ اول. ۲ جلد. قم: نشر مدینه العلم.
- سیستانی, سید علی حسینی. ۱۴۱۴ ق. قاعده لاضرر و لاضرار. چاپ اول. ۱ جلد. قم: دفتر آیت الله سیستانی.
- شهید اول, محمد بن مکی. ۱۴۱۰ ق. اللمعه الدمشقیة فی فقه الإمامیة. چاپ اول. ۱ جلد. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیة.
- شیخ انصاری, مرتضی. ۱۴۱۵ ق. کتاب الخمس. چاپ اول. ۱ جلد. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- شیخ حر عاملی, محمد بن حسن. ۱۴۰۹ ق. وسائل الشیعه. چاپ اول. ۳۰ جلد. قم: مؤسسه آل البيت.
- شیخ مفید, محمد بن محمد بن نعمان. ۱۴۱۳ ق. المقنعة. چاپ اول. ۱ جلد. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- صدر, سید محمد باقر. ۱۴۱۷ ق. اقتصادنا. چاپ اول. ۱ جلد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی, محمد بن الحسن. ۱۴۰۰ ق. النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الکتب العربی.
- ۱۴۰۷ ق. تهذیب الاحکام. چاپ چهارم. ۱۰ جلد. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- علامه حلی, حسن بن یوسف. ۱۴۱۴ ق. تذکره الفقهاء. چاپ اول. ۱۷ جلد. قم: مؤسسه آل البيت.
- کلانتری, علی اکبر. ۱۳۷۹. "دولت اسلامی و خمس معادن." کاوشی نو در فقه (شماره ۲۳).
- کلینی, محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ ق. الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- محقق حلی, جعفر بن حسن. ۱۴۱۸ ق. المختصر النافع فی فقه الإمامیة. چاپ ششم. ۲ جلد. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
- —. ۱۴۰۸ ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- معلمی, سید مهدی. ۱۳۹۱. "دلالت آیه «فیء» بر قاعده فقهی نفی تداول ثروت." معرفت اقتصاد اسلامی (شماره ۷): ۱۶۴-۱۴۳.
- مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی. ۱۳۸۷. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. چاپ اول. ۵ جلد. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- نجفی, محمد حسن. ۱۴۰۴ ق. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. چاپ هفتم. ۴۳ جلد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- نراقی, ملا احمد. ۱۴۱۵ ق. مستند الشیعه فی احکام الشریعه. چاپ اول. ۱۹ جلد. قم: مؤسسه آل البیت.
- آمارهای مرکز آمار ایران.
- قوانین بودجه سنواتی از سال ۹۱ تا ۱۴۰۲

<http://fna.ir/3bqx5p>

<https://irasin.ir/xggV>

